

## مقام ادبیات در زندگی بشر

نویسنده: غلام جیلانی خان جلا

لفظ ادبیات در تمام زبانه‌ها خصوصاً در زبان فارسی چنان کلمه جلدایی است که بمجرد ترکیب و تلفظ افکار و نظریات خواننده باذوق را تماماً بجانب خود جلب میکند ، اگرچه در تعریف مصداق این کلمه بر جسته تاکنون کنفرانسهای زیادی داده و خوانده شده اما نظر بتاریخ ادبیات تا حالا هیچ يك مفکوره بنظر نرسید که در مقابل مفهوم این کلمه بارزه تحسینی ایراد نیافته یا تصدیق نشده باشد . منتها از روز اکتشاف این محیط بی پایان که با عالم ایجاد توأم است نظریات مفکرین باختلاف قرون و آوان در اندازه حدود آن متفاوت است . بهرحیث مورخین بشریت اقرار دارند که در تمام ادوار زندگی حضرت انسان ادبیات موجود و مراتب زندگی خود را با تبدلات و سوسینته اوضاع حیاتی انسانیت از بدو ایجاد تا اوایل تہذیب و مدنیت یکجا پیموده است . بلکه بعقیده محققین در ارتقای تدریجی عالم بشریت و تبدلات مهم اوضاع زندگی اجتماعی انسان یگانه موثر و مہیج انرژی ملل همان سلسله های ادبیات طبیعی و کسبی آنها بود است . حتی بعضی ها میگویند که بهشرف و ارجح اقسام تاریخی عالم نیز زاده تقدم و انحطاط همان عاطفه سحر آمیز ادبیات است . تاریخ شاهده است که درین جهان ناپایدار بسیار ملل و افراد ثروتمند و قوی از صفحه هستی نیست و نابود شده اند ولی ازان جمله ما کسانی را میشناسیم که دارای حیاة ادبی بوده شاهکار های محصول زندگی خود را برای مایادگار گذاشته اند .

ادب یا ادبیات که بشریت فطرتاً یا تصنعاً مسجود آن است لفظه بمعنی مطلق تہذیب آمده و در اصطلاح عصری عبارت از تمام علوم و معارف و صنایع مستظرفه میباشد که معانی ، بیان ، بدیع ، لغت ، تصریف ، اشتقاق ، نحو ، منطق ، شعر و غیره نیز از شعب آن بحساب میرود .

علمای اجتماعی تصور میکنند : مهم ترین عاملیکه حیاة اجتماعی را بوجود آورده دو مفهوم لازم و ملزوم همدیگر : ضرورت و احتیاج است .

علوم اجتماعی از قبیل : اخلاق ، مذہبی ، قضائی ، اقتصادی ، منزلی ، سیاسی ، و امثال آن تماماً بر اساس ضرورت و احتیاج ریخته شده که موضوع عموم آنرا انسان اجتماعی می شناسد . لاکن محققین درین زمینه خوبتر عمیق رفته میگویند : یگانه موثر تبدلات محیر العقول حیاة بشر بحکمت بالغه خالق ، دانا و بینای کائنات نوری است که در عقل باطن انسان ذکری و تیزهوش مدنی بالطبع انعکاس نموده کشف بشر را

از آغاز بدویت بکار انداخته بیک سلسله انقطاع ناپذیر بکه وقته وسکون قطعی آنرا قایل شده نمیتوانند بشاهراه اجتماع راه نمونی نموده است . این عاطفه مقدسه که سبب تکلیف و باعث شناخت تمام احتیاجات حیاتی حضرت انسان است باوجود اینکه در حد ذات خود بیک نقطه بسیطی منتهی میگردد جنبها و پهلو های زیادی دارد که اگر در انشای عمل ازان سوء استفاده نشود انسان را بر تمام مشکلات مادی غالب و بمدارج تقدیس روحی فایز میگرداند .

ناحیه که از همان نور خداداد بشری موضوع بحث ماست عاطفه ادبیات وما آنرا مهیج نام احساسات بشری تعبیر میکنیم .

ادبیات با مفهوم اجتماعی خود قسمیکه عوام یا برخی افراد ناآشنای اندیشند در چهار دیواری عروض و نوشتجات منظوم و مثنوی شعرا و نویسندگان محصور نیست بلکه شعاع آن تا سرحد کائنات تمتد علوم و معارف را عموماً و نوشتجات و صنایع مستظرفه و پردهای غم و شادی ، سخنهای تبلیغ و تلقین ، درامهای ترازدی و کمدی ، تصاویر دستی ، قلمی ، فوتوگرافی ، زنگوگرافی و تمام مناظر مهیج طبیعی وانچه وانکه انسان را بنوعی از انواع متاثر می سازد خصوصاً از شعب ادب و ملکات ادبیات است .

بعبارة دیگر طوریکه ادبیات بربك قسمت از علوم منحصر نیست همچنان آنرا بربك جنبه از افراد ملل هم محدود نباید خیال نمود .

در اواسط قرون جدیده که مفهوم ادبیات با حقایق مرموز خود از نظر ها پوشیده بود بعضیها تصویری نمودند که حالا دوره ادبیات سپری گردیده بعد ازین بشریت باید از عالم اختراعات مداحی کند ، اینکه شرقی در برابر مناظر مهیج طبیعی یا آبشار و کاروانی در فکر شعر سرائی یا نشیده باقی می افتد مخترعین غرب در بعد آن بصدد تولید قوای الکتریکی ( برقی ) و معلومات ژولوزی - ( طبقات الارضی ) و بوتانیکی ( نباتی ) و اختراع نواقل نخبیکی می برآیند .

اما برخلاف مامول همان عده محدود در اواخر قرن ۱۹ و ربع اول قرن ۲۰ با اثر نتایج زحمات هیستهای آثار و بسبب انتشار افکار مریبان بزرگ بشریت شکسپیر ، ولز ، مسز بیزانت ، تولستوی اندریف ، مکسیم ، گورکی ، والتر ، لامارتین ، رینان ، گوته ، شیلر ، نامق کمال بیگک ، طه حسین امین ربخانی ، تا کور و دیگر ادبای بزرگ شرق و غرب ، ادبیات بمفهوم اجتماعی خود ظهور نموده بدنیای علم و اختراع ثابت نمود که این روح بگانه کارفرمای احساسات بشر و عالم را در تمام محولات زندگی از رنگی برنگی بر میگرداند بلکه تامادام حیات انسان این ملکه برجسته در طی

ترقیات و رسانسهای روز افزون خود بر قوای فعاله انسانی حکم رانی خواهد نمود و نخواهد مرد .  
 حالا ما میخواهیم موقیبت ادب و ادبیات را در حیات ملل شرح داده اعجاز انفس شورانگیز  
 آن را طوریکه شاید و باید بر همکنان روشن گردانیم ولی همه میدانند که شناوری این اقیانوس  
 بی پایان امر ساده نیست که بدون اسباب لازمه ممکن شده بتواند در عین زمان از جانب دیگر  
 فوت موقع ما را تهدید نموده بر طایه ضرب المثل معروف . ای زفرست بی خبر در هر چه هستی زود باش  
 بهتر این دیده شد که به تسلی استفاده از وقت بقدر طاقت قلبی تا جائیکه چندی از آثار  
 و شواهد تاریخی در دست است به تذکار بعضی از ادبای معروف بشریت که باختلاف قرون و  
 اعصار بازندگی ملل تماس داشتند با تاثیرات مهم آنان در تطور ملل جهت استفاده بعضی از هموطنان  
 خود مبادرت ورزیم :

### ادبیات و براعظم اروپا :

معلومات تاریخی مشعر است که ساکنین گول قدیم یا سرزمینیکه از جانب شرق بدریای رن  
 و کوه های آلپ و از سمت جنوب به بحیره روم و کوه های پیرنه و از طرف غرب باقیانوس اطلس  
 و دریای مانش و از جهت شمال به بحیره شمال محاط است قبل از استیلای قیصر از ادبیات و علوم  
 و صنایع بی بهره بوده بملکتهای کوچکی منقسم و بدون اتحاد سیاسی باوضاع وحشت زیت میکردند  
 باین علت نظریات قیصر روم را بخود جلب نموده اخیراً آن سرزمین را فتح نمود متعاقباً با ساس  
 قیصر ، ژول سزار و رومیان دیگر در مدته تقریباً پنج قرن زبان و ادبیات لاتینی را بقسمی در روحیات  
 ساکنین گول تزریق نمودند که زبان و عادات زمینه خود را فراموش نموده بزودی يك مملکت  
 ادبی گردید چنانچه مدارس ماری ، بور دو ، لیون ، تولوز ، او تن ، آنجا در تمام امپراطوریت  
 روم شهرت بسزا داشت از ادبای نامدار رومی که در تهذیب و تمدن ساکنین گول سهمی بزرگی  
 دارند : کور تلیوس کار لوس شاعر و کوک پیه مورخ ، پترون رومان نویس معروفند که اصلاً از  
 از مردمان گول بودند .

گویا یگانه عامل تهذیب و تمدن گولوها حتی باعث قبول دین مسیحیت آنان نیز نشر روح  
 ادبیات رومی و یونانی شناخته میشود که بدون زحمت ساکنین گول را با وجود هزاران تفرقه  
 و تشتت در حوضه ملیت رومان شامل نمود .

لاکن هنگامیکه چراغ ادبیات روم و یونان از وزش سموم رجعت و بی دانشی خاموش شد

سیاست بر اعظم در تحت تأثیر دو نظریه متضاد وحدت و تجزیه اداره می شد : اسقف و کشیش در فکر توحید و ملیت ، شرابیه و -تیبور در مدد تفرقه و نشنت : چه خانه خرابی ها نبود که باشندگان این براعظم را بتباهی و بر بادی تهدید می نمود با تمام این مناقشات اجتماعی چون اصل ماده وجود داشت آ و اینکه ضرورت و احتیاج متقاضی شد باز هم ادبیات بصورت رنسانسوی خفنی در کایسا ها جلوه نموده خدمات مهمی را بر ژیم : قرون وسطی انجام داد .

ما بعد ازان زمانیکه واقعات مهم مبارزات صلیبی و تصادمات شکفت آور اروپا ئیها با مسلمانان شرق و اندلس خانه یافت کم کم نسیم ادب با هتراز آمده دو باره در فضای خاموش مغرب پهن گردید ، درین عصر ادبیات اولاً بهمت و کوشش طوائف بور ژوازی و متنفذینیکه در تاریخ تمدن اروپا بمشوقین معروفند مراکز خصوصی خود را توسیع داده در دست رس عموم گذاشته شد - معلومات جغرافیائی (مارکوپولو) و مسافرت های بحریمای معروف اسپانیه کریستوف کلمب و اکتشافات قابل تقدیر او وشکست طالبات دریائی اخیراً باین نتیجه منتهی شد که لواج بوسیده ادبای قدیم باردیگر در براعظم پی نقاب گردیده از پرتو ادبیات دیرینه رومیها و یونانیها واعراب تا گردش (مازلان) بدورا دور عالم اصلاحات تازه در ادبیات آغاز وازاطالیه تا حدود فرانسه و المان حتی اسپانیه وهولاند پهن گردید .

رنسانس ادبیات :

رنسانس یعنی شکفتگی وحیاء جدید ادبی است که در اواخر قرن ۱۵ میلادی در غرب آغاز گردید . فارثین محترم از لفظ رنسانس اشتباه نکنند که یعنی در قرن مذکور ادبیات سر از نو ایجاد شده و پیش تر ازان در براعظم اروپا سابقه بسزاند داشت بلکه این تجدید حیاة ادبی تنها عبارت از تغییر شکل ادبیات بوده مابیل ازدوره رنسانس هیچه آناری موجود بود که بهیچ صورت آنرا ازدوره رنسانس کمتر شناخته نمیتوانیم . بغرض تصدیق این نظریه لازم میگردد اولاً که نمونه از آثار ادبای پیشقدم قرون مابیل وادردیل این سطور شرح کنیم :

ادبای پیشقدم فرانسه

نویسنده ها :

اول : ولهار دوئن ادیب ومورخ فرانسه در ( ۱۱۶۰ - ۱۲۱۹ ) تاریخ جنگهای صلیبی قسطنطنیه را تحریر نمود

دوم : روانویل در ( ۱۲۲۴ — ۱۳۱۹ ) شرح زندگانی سن لوی را نوشت  
 سوم : فرواسار در ( ۱۳۱۷ — ۱۴۱۰ ) تاریخ ادوار بزرگ جنگهای صدساله رادر  
 قید قلم آورد - گویا این ۳ نفر نویسنده بزرگ در قرن ۱۳ و ۱۴ اولین زمینه نثر نویسی  
 فرانسه را طرح کردند .  
 صنعتگران :

اگرچه غالب صنعتگران مجاری و معماری و نقاشی قرون وسطای فرانسه که آثارشان تاکنون  
 هویدا می شود معلوم نیستند ویا اگر از بعضی نامی مانده باشد آثارشان در دست نیست با وجود آن  
 از جمله چهاران و نقاشان معروف فرانسه در قرن ۱۴ و ۱۵ چهار نفر ذیل شهرت دارند  
 اول : کاس ایلوتر که اصلاً آلمانی یا هولاندیست هم مصر شارل ششم علاوه بر دیگر شاهکار  
 های خود مجسمه حضرت موسی علیه السلام را بسا نمود .

دوم : ژان وان ایک : نقاش فلانندی که طریق جدید استعمال رنگ را اختراع نموده صنعت رنگ  
 آمیزی قرن ۱۶ را آسان ساخت .

سوم و چهارم : نیکلا فرومان و ژان فوک که نقاشان شارل هفتم ولوی یازده هم میباشند که  
 شهرت موخر الذکر تا اطالیه نیز منعکس گردیده باب او را برای تصویر خود به روم خواست .  
 ادبای پیشقدم اطالیه :

رتبه نویسندگان قرن ۱۴ اطالیه از نویسندگان عصر مذکور فرانسه خیلی بلند است  
 از جمله دانت : اولین نویسنده است که دیوین کمدی را تحریر نمود هکذا پترارک نثر نویس  
 معروف بکاس که با ( دکامرون ) موجد نثرنگاری ایتالیا میباشد .

بر خلاف اسامی صنعتگران فرانسه که غالباً مجهول و چیزی که معلوم است نیز تازه شناخته  
 شده اند اسامی صنعتگران اطالیه از قدیم معلوم است که از جمله پنج نفر از فلورانس در تاریخ صنعت  
 نام بلندی دارند اول ایشان ژوتو و چهار نفر دیگر برونلسکو، گیبرتی - ناتلوو - لوکار دلا ویا  
 میباشد .

ژوتو : نقاس و معمار معروف رفیق و معاصر دانت آثار مهمی را در فلورانس از خود بیادگار  
 گذاشته و در نقاشی قرن ۱۴ تاثیر بزرگی داشت .

برونلسکو : مامور انجام ساختمان کلیسای فلورانس و کتبدان است که آثار مذکور علاوه  
 بر موزونیت از عجایب بشمار میرود \*

کیبرتی - باختمان دواثر خود علی الترتیب ۲۰ و ۲۸ سال بصرف رسانیده میکل آنژ در تعریف آن مبالغاتی نموده است .  
دناتلو - لوکاد لاریا - باتفاق عظمت و ظرافت کلیسای فلورانس را با نقوش برجسته و مجسمه های خویش اكمال نمودند .

چنانچه چهاران دوره رنسانس مانند اثر : ( دسته اطفال خواننده ) که قلم لوکاد لاریا آنرا در ۱۴۳۳ رسم نموده بود در مابعد هیچ يك اثر بهتری را از خود نشان داده نتوانستند .  
بر علاوه درین عصر علل مهمی که افکار و از همان افراد تیز هوش مغرب را بکار انداخت يك دسته نوشتجات ادبی ، تاریخی ، فلسفی ، رومی و یونانی بود که در قرن ۱۴ و ۱۵ کشف گردیده بیشتر از ظهور صنایع و آبادات در بیداری رژیم اروپا اثر نمود .  
این آثار عبارت از خطایها و مکتوبات - یسرون ادیب معروف رومی و آثار قلبی ( تاسیت ) بود که غالباً از لایرا توارهای صوامع بدست آمد اما متأسفانه در آنجمله باستانی آثار ادبی ( بکاش ، و پترارک ) نویسندگان معروف موافقات و آثار قلبی دیگر نویسندگان در اثر کم توجهی رهبانان ضایع شده است .

دران وقت اروپای غربی مولدین یونانی را نمی شناخت حتی مدرسین اکثر دارالعلوم های آنجا خواندن الف ، بای یونانی را هم نمیدانستند در قرن ۱۵ کار دینال بساریون کشیش معروف اطالوی از سال ۱۴۷۴ - تا ۱۴۹۴ بصرف یکمیلیون فرانک بطور يك کتابخانه علوم یونانی را فراهم نمود که دارای شش صد جلد کتاب بود متعاقباً بعد از فتح قسطنطنیه بدست تورکها بوسیله يك دسته علمای بیزانین که بروما پناه آورده بودند ترجمه و با ادبیاتیکه چند عصر پیشتر از اعراب اندلس آموخته بودند آمیخته ذوبه ماشین چهارپا عتره ۱۴۰۷ در دسترس عموم گذاشت .

در فرصت مذکور اگر چه اروپای غربی با اثر جاه طلبی خانواد های فرانسه و اطیش داخل جنگ و نحت سلاح بود اما چیزیکه باعث تشویق و ترغیب هومانیتها ( افرادی که تازه ادبیات یونانی را آموخته بودند ) و دیگر نویسندگان و صنعتگران اطالیه و فرانسه واقع گردیده همانا حمایت و دستگیری همان مقنذین و سلاطینی بود که در تاریخ ادبی اروپا طوریکه نوشتیم بشوقین معروفند زیرا مشوقین مذکور ابنیه ، ساختمانها ، مجسمه ها ، تابلوها ، قطعات ادبی ، سفارش میدادند و مبالغ هنگفتی را درین راه بصرف رسانیده کتب خانهای معتبر را تاسیس میگردند گذشته بران علما

و ادبا را بدور خود جمع نموده از هیچ نوع اعزاز و اکرام آنها خود داری نمی‌کردند چنانچه بعضی اوقات این اشخاص را مانند افراد فوق العاده می‌دیدند از انجمله فرانسوی اول دارالعلوم ( کازو او فرانس ) را تاسیس نموده شعب زبان لاتین ، یونانی ، یهودی ، ریاضیات ، جغرافیه ، طب دران تدریس میشد علاوه ساختمان قصر لوور و عده دیگری از عمارات معتبری را در فرانسه آغاز نموده تابلوهای زیادی با استادان ایتالیه مانند را فائل و لوتار سفارش داد و پاپ نیکولای پنجم در واتیکان کتابخانه مشتمل بر پنج هزار کتابهای خطی تشکیل نمود و نویسنده‌ها را بوضع درستی پذیرائی می‌نمود گذشته بران دیگر پاپ‌های روم و خانواده مدیسی در فلورانس خدمات بزرگی را بادب و اهل ادب ابراز کردند - حتی پاپ اژون دهم علاوه بر تعیین مناصب عالی باندازه از ادبای عصر قدر شناسی میکرد : سلبی که به تهمت قتل متهم بود پاپ مذکور دستور داد که اشخاص مانند سلبی نباید مورد مآخذ قانون واقع شوند . بناءً علیه رفته رفته با اثر فضل پروری و متنفذین و سلاطین ادب پرور اروپا رنسانس ادبی غرب آغاز و پیمانۀ تغیر رژیم قرون وسطی لبریز گردیده سیر تکامل ادب و صنایع نقاشان نمود که باید وضعیت ساکنین براعظم همانطوریکه در علم سیاست یکنوع تغیر فوری را ( ردلسبون ) می‌نامند یکبارگی تبدیل نماید چنانچه دیده شد که در آن عصر بجهت تمام تجار طرز جدیدی را کسب نموده کم کم بازارهای بین‌المللی آغاز ترقیات جغرافیائی شروع ، اکتشافات محری ، وسایل بحر پیمائی ، الفنت و ارتباط بنی نوع ، ترتیب حقوق ، اختراعات و امثال آن رایج ، علم و عرفان بخود رونق تازه گرفت .

( تا تمام )

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 کتابخانه مرکزی  
 کتابخانه تخصصی ادبیات و تاریخ

